■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبـح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ | ۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۵۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 August 6

حدیث روز: الامالی

پیامبر اسلام(ص):
همنشین خوب بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد.

پلک احساس: فاضل نظری

با چراغی همه جا گشتم و گشتم در شهر
هیچ‌کس، هیچ‌کس اینجا به تو مانند نشد

امروز در تاریخ:

- برگزاری اولین دوره کنکور سراسری در کشور توسط وزارت علوم (۱۳۴۸ ش)
- شهادت سرلشکر خلبان عباس بابایی، معاون عملیاتی نیروی هوایی ارتش (۱۳۶۶ ش)
- پذیرش آتش‌بس پس از ۱۵ روز کارشکنی توسط عراق (۱۳۶۷ ش)
- درگذشت پرویز شاپور، نویسنده ایرانی (۱۳۷۸ ش)
- راه‌اندازی نخستین وب‌سایت در اینترنت (۱۹۹۱ م)

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۱۰ — غروب آفتاب: ۲۰/۰۴
اذان مغرب: ۲۰/۲۴ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۴/۴۲ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۷

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اصفهان	بیرجند	رشت	زاهدان	زنجان	سنندج	یزد
۴۰ / ۲۷	۴۰ / ۲۰	۳۵ / ۲۱	۲۶ / ۲۰	۳۷ / ۲۲	۲۶ / ۱۰	۳۹ / ۱۸	۴۲ / ۲۸

حکمت ۳۰۶: نهج‌البلاغه

اجل، نگهبان خوبی است.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با محسن حاجیلو، گزارشگر تلویزیون که حالا مدتی است کمتر او را می‌بینیم

از شوخی‌های مردم ناراحت نمی‌شوم

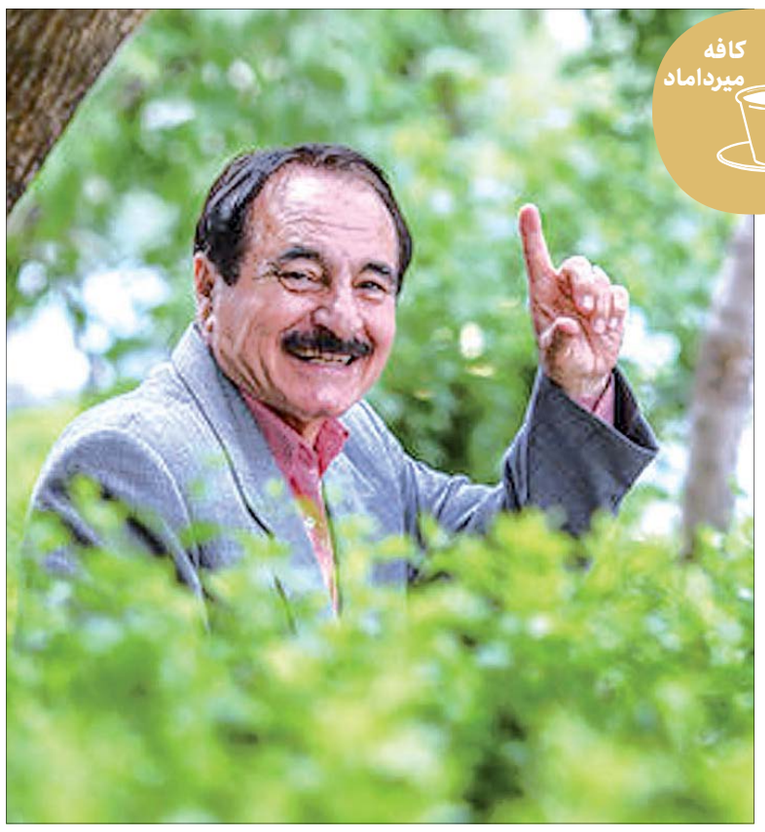

باران باستانی
روزنامه‌نگار

تا قبل از گسترش شبکه‌های اجتماعی و افزایش تعداد کاربرانش، محسن حاجیلو، گزارشگری بود مثل بقیه گزارشگرها. نه از آن گزارشگرهای ثابت بخش‌های خبری یا برنامه‌های اجتماعی، گزارشگری که گاهی می‌آمد و درباره موضوع داغ روز یا هفته یا ماه گزارشی به اصطلاح مردمی تهیه می‌کرد و می‌رفت تا برنامه و وقتی دیگر.

شبکه‌های اجتماعی اما این امکان را به‌وجود آورد تا مردم نظراتشان را بی‌واسطه بیان کنند و حتی گاهی با جدی‌ترین موضوعات و آدم‌ها شوخی هم بکنند. محسن حاجیلو یکی از آدم‌هایی است که شوخی کاربران شبکه‌های اجتماعی او را بیشتر زیر ذره‌بین گذاشت و نشانش داد. شوخی‌ها از زمانی شروع شد که یکی از کاربران توییتر به این نکته اشاره کرد که حاجیلو معمولا از پشت درختان یا شمشادها با میکروفنی در دست بیرون می‌پرد و جلوی اولین عابر را می‌گیرد و از او سوالی می‌پرسد. کم‌کم نام محسن حاجیلو تقریبا برابر شد با گزارشگری که در لابه‌لای گیاهان در کمین است و شما نمی‌دانی او کی از کمین‌گاه خود بیرون می‌آید.

خندیدن که بد نیست!

محسن حاجیلو اما خودش زیاد درگیر شوخی‌هایی که برای او ساخته‌اند، نیست. می‌گوید: من از همان اولی که وارد تلویزیون شدم، علاقه‌مند به کارهای کمدی بودم، برای همین با آقای مدیری و ساعت خوش هم همکاری کردم. بعد که وارد حوزه گزارشگری شدم، طنزی که به آن علاقه‌مندم را هم با خودم به گزارش‌هایم آوردم. شاد کردن مردم را دوست دارم، برای همین حتی وقتی از من سوال هم می‌پرسند، سعی می‌کنم لحنم طنز باشد یا مسیر گزارش و گفت‌وگو را به سمتی ببرم که طنز باشد. مثلا یک بار که تصمیم گرفتم درباره کلاه کاسکت موتورسواران گزارش تهیه کنم به آقایی که بدون کاسکت موتورسواری می‌کرد، گفتم تا حالا کلاه سر کسی گذاشتی؟ گفت: خدا را شکر، نه! گفتم تا حالا کسی سرت کلاه گذاشته؟ باز هم گفت: نه! گفتم: دوست داری کسی کلاه سرت بگذارد؟ گفت: نه! گفتم اما من دوست دارم سرت کلاه بگذارم و یک کلاه کاسکت سرش گذاشتم، او خندید و من هم خندیدم و مخاطبان هم حتما خندیدند و نتیجه این شد همه آنها که این گزارش را دیده‌اند، یادشان باشد که موقع موتورسواری حتما از کلاه کاسکت استفاده کنند.

حالا این‌که شما می‌گویید در شبکه‌های اجتماعی با من و سبک کارم شوخی می‌کنند، اصلا ناراحت نمی‌شوم! یک بار یکی از دوستان بخشی از پویانمایی سوریلند را نشانم داد که درباره زن و مرد شخصیت داستان را صحبت می‌کرد که روی نیمکت یک پارک نشسته بودند و با هم گپ می‌زدند و من از پشت کاج‌ها اعلام کردم که من اینجام ... این را که دیدم خودم هم خندیدم! من طبیعت را دوست دارم. گل و گیاه و سبزه را دوست دارم. طبیعت اگر زنده و شاداب باشد آدمیزاد هم سرحال است. به نظرم مردم و به‌خصوص جوان‌ها از نصیحت خسته شده‌اند و اگر قرار است ما از طریق تلویزیون به آنها پیامی آموزنده ارائه کنیم بهتر است غیرمستقیم و با لحن و بیان طنز باشد.

از معلمی تا دلواپسی

حاجیلو همه گزارش‌هایش را خودش تهیه می‌کند، سوژه‌ها را به شبکه می‌دهد و با یک تصویربردار راه می‌افتد در سطح شهر و گزارش تهیه می‌کند. به بداهه اعتقاد دارد و باورش این است که وقتی با مردم با زبان و لحن خودشان هم‌صحبت شوی، گزارش موفق‌تر می‌شود.

به این گزارشگر قدیمی می‌گویم، برخی می‌گویند هر زمان حضور شما در تلویزیون بیشتر می‌شود، یعنی به زمان انتخابات نزدیک می‌شویم حالا یا انتخابات رئیس‌جمهور یا مجلس و ...

حاجیلو می‌گوید: من اصلا آدم سیاسی نیستم، سیاست را بلد نیستم، آن زمان‌ها بیشتر به من آنتن می‌دهند و سوژه‌ها هم بیشتر است برای همین بیشتر در تلویزیون دیده می‌شوم.

او درباره عنوان «آقای دلواپس» هم که مدتی گزارش‌هایش با این عنوان پخش می‌شد، می‌گوید: آن زمان روی مشکلات و معضلات اجتماعی کار می‌کردیم و گزارش‌هایم در این باره بود، برای همین عنوان آقای دلواپس را انتخاب کردیم، اما بعد که موج سیاسی دلواپسان راه افتاد، آقای دلواپس تعطیل شد که شبهه سیاسی بودن گزارش‌ها پیش نیاید.

منتقد پارتی‌بازی!

حاجیلو درباره خودش می‌گوید: قبل این‌که به تلویزیون بیایم معلم ورزش بودم. خانواده ما کلا به ورزش علاقه‌مند است. برادرم اصغر حاجیلو از فوتبالیست‌های معروف است و سابقه بازی در تیم‌های استقلال و سایپا را دارد. یک برادرم کشتی‌گیر بود که متاسفانه فوت کرده. پسرم حامد هم مدیر روابط عمومی باشگاه استقلال است. چند سالی هم مجری برنامه‌های مختلف تلویزیون بود. پسر توانمندی است در مقطع دکترا تحصیل می‌کند و به زبان انگلیسی مسلط است اما وقتی به شبکه سه آمد و بعد به باشگاه استقلال رفت، خیلی اذیت شد، می‌گویند حامد پارتی داشته هم در تلویزیون هم در باشگاه استقلال. دلم می‌سوزد که کسی توانایی‌های پسرم را نمی‌بیند و بی‌خود و بی‌جهت به او تهمت می‌زنند. او کارش را بلد است و تنها جرمش این است که پسر من و برادرزاده اصغر حاجیلوست.

به حاجیلو می‌گویم اما شما در گزارش‌هایتان پارتی‌بازی را نقد می‌کنید و درباره ژن خوب هم حرف‌هایی می‌زنید، پس باید تحمل داشته باشید که مردم درباره پسر شما و پست‌هایی که گرفته، حرف بزنند؟

می‌گوید: پارتی بازی وقتی زشت و زننده است که یک نفر که هیچ توانمندی ندارد، پست و کاری بگیرد که تخصصی است. اما پسر من تخصص دارد. با پارتی بازی نمی‌شود اجرای یک برنامه تخصصی را چهار سال به عهده داشته باشی. اگر کارت را بلد نباشی همان هفته اول همه چیز تمام می‌شود.

به حاجیلو می‌گویم، مردم درباره شما یک شوخی دیگر هم می‌کنند؛ این که پیر نمی‌شوید، انگار اکسیر جوانی خورده‌اید، می‌گوید: بله درباره من، آقای مسعود روشن‌پژوه، عمو پورنگ و عموهای فیتیله‌ای چنین نظراتی می‌دهند! واقعیت این است که کارم را بسیار دوست دارم. هیچ‌وقت برای پول در تلویزیون کار نکرده‌ام بیشتر علاقه و عشق است. نیازی به پول تلویزیون ندارم، قرارداد ندارم و بیمه هم نیستم که بازنشستگی داشته باشم. راستش در جوانی خیلی کار کردم، کارهای مختلف در جاهای مختلف و سرمایه‌گذاری کرده‌ام و خدا را شکر الان صاحب خانه و زندگی هستم و زیاد برای داشتن مال بیشتر حرص نمی‌زنم و طمع‌ورزی هم نمی‌کنم. پدرم حدود صد سال قبل از همدان به تهران آمد و در خیابان قزوین کارگاه درشکه‌سازی راه‌اندازی کرد. آن زمان وسیله نقلیه عمومی درشکه بود و کاسبی پدرم خوب بود. الان اگر زنده بود حتما صاحب ایران‌خودرو بود! خانواده ما پرجمعیت بود؛ ۹ تا بچه بودیم شش تا پسر، سه تا دختر. خانه ما در منطقه سرسبیل، چهارراه باستان بود. خدا را شکر همه ما بچه‌های خوبی برای پدر و مادرمان بودیم.

مقطع حساس کنونی

داستان عاشقانه شهرام و ساناز

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در روزگاران قدیم، پسر جوانی به‌نام شهرام دلباخته دختر جوانی به‌نام ساناز شد. دلباختگی شهرام به ساناز به حدی رسید که از حد گذشت و اطرافیان به او لقب مجنون دادند و شهرام دیوونه صدایش کردند. شهرام هرروز به سر کوچه‌ای که ساناز و خانواده‌اش آنجا زندگی می‌کردند می‌رفت و خودش را به زمین می‌انداخت و روی خاک غلت می‌زد و پس از غلت زدن‌های فراوان به بیابان‌های خارج از شهر می‌رفت و در آنجا آه‌های سوزناک می‌کشید. روزی ساناز که از حالات شهرام متاثر شده بود، با اطلاع خانواده‌ها به شهرام پیغام داد که اگر قصد دیدار او را دارد، شب‌هنگام به رستوران سنتی آشپزباشی واقع در منطقه ییلاقی شمال شهر برود و منتظر او باشد تا به دیدارش برود. شهرام که به‌خاطر این پیغام سر از پا نمی‌شناخت از هنگام غروب آفتاب به رستوران سنتی یادشده رفت و در آنجا به انتظار نشست.

ساعتی نگذشت که خستگی ناشی از غلت زدن‌های بسیار بر او غلبه کرد و به خوابی عمیق فرو رفت. در این هنگام ساناز وارد رستوران شد و شهرام را در حالی که خوابیده بود مشاهده کرد. مدتی آنجا ماند شاید شهرام از خواب بیدار شود، اما وقتی دید خوابش سنگین است و حالا حالاها بیدار نخواهد شد، چند عدد گردو در جیب او گذاشت و محل را ترک کرد. فردا صبح شهرام از خواب برخاست و گردوها را مشاهده کرد و فهمید ساناز شب گذشته آنجا بوده است. بسیار اندوهگین شد و از روی زمین مقداری خاک حسرت جمع کرد و بر سرش ریخت. در این هنگام صاحب رستوران نزد شهرام آمد و گفت: ای شهرام، به این بیندیش که معشوق نخواست تو را از خواب بیدار کند و گردو در جیبت گذاشت که وقتی از خواب بیدار شدی بخوری تا ضعف نکنی و این نشان می‌دهد او نیز تو را دوست دارد. شهرام گریست و گفت: هیچ هم این‌طور نیست. او گردو در جیب من گذاشت تا به‌طور غیرمستقیم به من بگوید تو لیاقت عشق و عاشقی را نداری و بهتر است بروی گردوبازی‌ات را بکنی.

نظر شما چیست؟ معنی گردو گذاشتن ساناز در جیب شهرام چیست؟ آیا ساناز هم به شهرام علاقه دارد؟ آیا آنها عاقبت با یکدیگر ازدواج خواهند کرد و پس از دریافت وام ازدواج و تهیه مسکن استیجاری زیر یک سقف خواهند رفت؟

پاسخ صحیح را به بعضی روزنامه‌ها پیامک کنید و بدون قرعه‌کشی برنده جایزه یک دستگاه خودروی سواری میان قیمت شوید!

راه یافتن ۲ معلول به پارلمان

دو سیاستمدار ژاپنی به عنوان اولین نمایندگان با معلولیت شدید، عضو پارلمان این کشور شدند.

به گزارش فرادید، یوشیکو فوناگو و ایکو کیمورا هر دو فلج هستند و برای انجام فعالیت‌های فیزیکی خود به افراد دیگر نیاز دارند. انتخاب این دو ماه گذشته به عنوان نماینده پارلمان، قدمی مهم برای نمایندگی و دیده شدن افراد معلول در ژاپن توصیف شده است.

برای حضور این دو نماینده در جلسات پارلمان، تغییرات ویژه‌ای در ساختمان پارلمان داده شده است. این دو نماینده پس از ورود به پارلمان و نشستن در جایگاهشان با استقبال طرفدارانشان روبه‌رو شدند. یوشیکو فوناگو به بیماری اسکلروز جانبی آمیوتروفیک یا بیماری لوگهریک دچار است؛ بیماری‌ای که باعث تخریب دستگاه عصبی مرکزی می‌شود. او از طریق یک سیستم رایانه‌ای یا کسانی که از او نگهداری می‌کنند با دیگران درتماس است.

فوناگو ۶۱ ساله، سال ۲۰۰۰ به این بیماری مبتلا شده و از آن زمان تاکنون توانایی حرکت را از دست داده است. ایکو کیمورا نیز دچار فلج مغزی است و از گردن به پایین به‌جز دست راستش فلج است. او از زمانی که هشت ساله بود این معلولیت را داشت.

گرمای مکه رکورد می‌زند

سازمان هواشناسی عربستان سعودی روز یکشنبه اعلام کرد دمای مکه مکرمه و مشاعر مقدس (عرفات، مشعر و منا) در روزهای آینده با ثبت رکوردی کم سابقه تا ۵۰ درجه سانتی گراد افزایش پیدا خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، سازمان هواشناسی عربستان همچنین اعلام کرد میزان رطوبت هوا به ۸۵ درصد خواهد رسید. این سازمان همچنین پیش‌بینی کرده است که مناطق مرتفع شرق مکه و بخش‌هایی از مشاعر مقدس در روزهای آینده شاهد وزش باد و گرد و غبار شدید باشد.

در همین حال مسؤولان سعودی از اجرایی شدن طرحی با مشارکت بخش خصوصی ژاپن برای کاهش دما در ایام حج امسال خبر دادند. قرار است عربستان با همکاری یک شرکت ژاپنی، در آسفالت مسیر عبور و مرور حاجیان در مناطق عرفات، مشعر و منا به طول ۲۵ کیلومتر، سنسورهای مخصوصی را برای کاهش دما تعبیه کند. پیش‌بینی می‌شود به کارگیری این فناوری دمای هوا را ۱۵ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد کاهش دهد.

پایان سازگاری

شدت تغییرات آب و هوایی به اندازه‌ای است که حیوانات دیگر نمی‌توانند خود را با این تغییرات سازگار کنند و این مساله حیات بسیاری از گونه‌های جانوری را تهدید می‌کند.

به گزارش فارس، بسیاری از حیوانات به گونه‌ای خلق شده‌اند که می‌توانند خود را با تغییرات دما سازگار کرده و در صورت افزایش یا کاهش دما به زندگی خود ادامه دهند.

اکثر حیوانات برای این کار تغییراتی در شیوه‌های بارداری، مهاجرت، سکونت، تغذیه و... به‌وجود می‌آورند تا به هر نحو ممکن به زندگیشان ادامه دهند. اما تحلیل بیش از ده‌هزار مطالعه صورت گرفته روی گونه‌های جانوری در کره زمین نشان می‌دهد که اکثر حیوانات دیگر نمی‌توانند با سرعت لازم خود را با روند گرمایش زمین سازگار کنند، زیرا این فرآیند با سرعتی بیش از توان تطبیق حیوانات در حال رخ دادن است.

بررسی‌هایی که در این زمینه توسط گروهی از محققان در آلمان و با همکاری ۶۴ پژوهشگر دیگر در سراسر جهان انجام شده، نشان می‌دهد حتی برخی گونه‌های جانوری که به توانایی سریع در تطبیق خود با شرایط آب و هوایی تازه شهره بوده اند دیگر نمی‌توانند این وضعیت را ادامه دهند. برای انجام این بررسی واکنش حیوانات مختلف و به خصوص انواع پرندگان به تغییرات آب و هوایی مورد بررسی قرار گرفته و تردیدی باقی نمانده که جانوران مختلف در نقاط مختلف دنیا در صورت تداوم گرمایش زمین به تدریج منقرض شده و می‌میرند.

مشکل یادشده حتی جانوران جان سختی مانند لاک پشت‌ها را نیز شامل می‌شود و اگر بشر برای تغییر الگوهای زندگی، کسب و کار و اداره صنایع مختلف فکری نکند، با نابودی بخش عمده حیوانات و پوشش گیاهی در جهان مواجه خواهد شد.

عکس: مهر
پیرمرد ماهی‌فروش بندرعباسی

جشنواره‌ای برای بومیان استرالیا

جشنواره فرهنگ سنتی Garma یک جشنواره سالانه است که در شمال شرق Arnhem زمین در قلمرو شمالی، استرالیا برگزار می‌شود. به گزارش فرارو، این جشن میراث فرهنگی مردم یولنگو و میراث فرهنگی است، هدف این است که دانش و فرهنگ را به اشتراک بگذارند. این جشنواره حدود ۱۵ گروه مختلف فرهنگی را از سراسر منطقه آرنهم و قلمرو شمالی جذب می‌کند. از این جشنواره به عنوان بزرگ‌ترین گردهمایی بومیان استرالیا یاد می‌شود. رقص سنتی یکی از مراسم این گردهمایی است.